



زنان در گفتمان پزشکی ایران با تکیه بر دوره صفویه

نوشته

بهزاد کریمی

تهران، ۱۳۹۵



پژوهشکده تاریخ اسلام

زنان در گفتمان پزشکی ایران با تکیه بر دوره صفویه

تألیف: دکتر بهزاد کریمی / عضو هیئت علمی دانشگاه آیت الله حائری میبد

ناشر: پژوهشکده تاریخ اسلام

مدیر نشر: خلیل قویدل

چاپ اول: ۱۳۹۵

شمارگان، ۱۰۰۰

چاپ و صحافی: چاپ تقویم

ردیف انتشار: ۵۲

۲۰۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشکده تاریخ اسلام محفوظ است

خیابان ولیعصر (عج)، خیابان شهید عباسپور، خاستگاه رستگاران، شهرورزش شرقی، شماره ۹

تلفن: ۶۷۶۸۶۱ - ۳ - ۸۸۶۷۶۸۶۰

وبسایت: www.p.e.ac.ir

سرشناسه:	کریمی، بهزاد، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور:	زنان در گفتمان پزشکی ایران با تکیه بر دوره صفویه/نوشته بهزاد کریمی.
مشخصات نشر:	تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری:	۳۴۴ ص.
فروست:	پژوهشکده تاریخ اسلام: ۵۲
شابک:	978-600-7398-24-1 : ۲۰۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
یادداشت:	کتابنامه: ص ۳۷۱.
یادداشت:	نمایه.
موضوع:	زنان در پزشکی — ایران
موضوع:	ایران — تاریخ — صفویان، ۹۰۷ - ۱۱۴۸ ق.
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۵ ۹۴۷۹ / R۶۹۲
رده‌بندی دیویی:	۶۱۰/۸۲
شماره کتابشناسی ملی:	۴۲۱۱۱۷

سخن اول

تاریخ هر امت و جامعه‌ای را بگرز فرهنگ و تمدن آن است. به همین دلیل، علم تاریخ در میان علوم، جایگاهی ویژه یافته است. جامعه اسلامی به عنوان یک امت جهانی، دارای چهارده قرن سابقه تاریخی با ابعاد و عناصری روس و بدو ابهام است. اهمیت این پیشینه تاریخی و ابعاد گوناگون آن، مانند فرهنگ، تمدن، علوم، اخلاق، فلسفه و هنر و نقش بی‌بدیل آن در تمدن جهان معاصر، تلاش گسترده دانشگاه‌ها و دانشمندان غربی را نیز در راه تحقیق و مطالعه این تاریخ عظیم برانگیخته است؛ تا بدان پایه که معتبرترین منابع و اطلاعات پژوهشی در حوزه‌های گوناگون تاریخ اسلام را در مراکز علمی غرب می‌توان سراغ گرفت.

به رغم توجه ویژه پژوهشگاه‌های دنیای غرب به اسلام، به علت تاریخی ناتی آنها از شناخت اسلام ناب و حقیقی - به دلیل عدم دسترسی مستقیم و به دور از تحریف منابع اصلی، و لاجرم اطلاع محدود پژوهشگران از زمینه‌ها و پسر زمینه‌های یک تحقیق علمی جامع آغاز حرکتی اساسی و همه جانبه از سوی دانشمندان اسلامی به منظور تصحیح و تکمیل تلاش‌های گذشته ضروری است. اگر این حرکت، گسترده، غنی و متکی بر پیشرفته‌ترین روش‌های پژوهشی آغاز شود، بی‌شک تغییرات بنیادی در مسیر این گونه مطالعات در پژوهشگاه‌های مهم دنیا در زمینه تاریخ اسلام و مسائل مختلف آن دور از دسترس نخواهد بود.

هدف اساسی از تأسیس پژوهشکده تاریخ اسلام - که هم اکنون در آغاز راه است - گام زدن در راه تحقق این آرمان می‌باشد. این پژوهشکده با همت و پیگیری استادان ارزشمند تاریخ اسلام و

رشته‌های پیوسته به آن، آغاز به کار کرده و برای نیل به اهداف مقدس خود، آمادۀ همکاری با همهٔ کسانی است که به این اهداف ایمان دارند. از این رو، پاسخگویی به هزاران پرسش را که در خلال مطالعهٔ ۱۴ قرن تاریخ اسلام مورد توجه خواننده و به خصوص پژوهشگران قرار می‌گیرد، وجههٔ همت خود قرار داده است. تحقق این مهم با روش‌های گوناگون دنبال می‌شود، که نشر آثار پژوهشی استادان و کارشناسان - به صورت تألیف و یا ترجمه - مانند اثر حاضر، از جمله آنهاست. البته برنامه‌هایی همچون تشکیل کارگاه‌های تخصصی، نشست‌های علمی تخصصی و حمایت از پروژه‌های پژوهشی مورد نیاز، نیز برای تحقق هدف یاد شده در حال پیگیری و اجراست که ضرورت دارد کیفیت و کمیت آنها افزایش یابد.

این به جز، هم‌اکنون با شش گروه علمی و زیر نظر شورای علمی فعالیت می‌کند، که ان شاء الله به زودی تعداد آنها به دو برابر افزایش خواهد یافت. از جمله اقدامات کم سابقهٔ پژوهشکده، تأسیس دانشنامهٔ «حرفای» - ریحی جهان اسلام است که بزودی اولین مجلد آن عرضه خواهد شد. این دانشنامه با ریاست یک استاد تادان در هفت گروه علمی مشغول فعالیت است و هزاران مدخل را - تاکنون - همراه با منابع ادبی آن در پایگاه اینترنتی عرضه کرده است تا دسترسی محققان به منابع را آسان کند.

پژوهشکدهٔ تاریخ اسلام به وسیلهٔ پایگاه اینترنتی خود با همهٔ پژوهشگران و علاقه‌مندان به مطالعه در سراسر جهان پیوند برقرار می‌کند. این پایگاه علاوه بر انعکاس همهٔ فعالیت‌های این مرکز علمی، بازتاب‌دهندهٔ فعالیت‌های علمی انجام شده توسط مراکز اشخاص دیگر در این رشته است. با فعال شدن پایگاه مزبور، دسترسی پژوهندگان به مرکزی جامع و همه‌جانبه، که انعکاس‌دهندهٔ همهٔ آثار موجود در زمینهٔ تاریخ اسلام باشد، میسر خواهد شد. علاوه بر آن، هم‌اکنون کتابخانهٔ تخصصی (حقیقی و مجازی) فعال است و به تدریج فعال‌تر خواهد شد. از خداوند بزرگ، برای این تلاش و همهٔ تلاشگران در راه حق و حقیقت، آرزوی موفقیت می‌کنم.

سیدهای خامنه‌ای

رئیس پژوهشکدهٔ تاریخ اسلام

فهرست مطالب

۱۱		سیاس گزاری
۱۵		مقدمه
۲۱		فصل اول: کلیات
۲۱		مسئله
۲۴		ملاحظات نظری
۲۹		گفتمان؛ نگاهی گذرا
۳۱		قدرت، حقیقت و دانش؛ مفاهیم کلیدی
۳۴		گفتمان پزشکی
۳۸		نظریه‌های بدن
۴۱		جامعه‌شناسی پزشکی
۴۴		پیشینه پژوهش
۵۶		اهلآف و چارچوب
۵۷		روش
۶۵		فصل دوم: گفتمان‌های سه‌گانه پزشکی در تاریخ میانه ایران
۶۸		پزشکی به مثابه مذهب

۷۷	نظریه اخلاط چهارگانه؛ فضای بین گفتمانی.
۸۵	گفتمان‌های سه‌گانه در تعامل و تقابل
۹۵	فصل سوم: زنان در گفتمان پزشکی «علمی».
۹۶	زن در بیولوژی ارسطو.
۹۸	شکل‌گیری نطفه.
۱۰۱	آناتومی.
۱۰۳	زن در گفتمان پزشکی جالینوسی.
۱۰۴	پیدا شدن زن در گزارش‌های پزشکی جالینوس.
۱۰۷	نطفه‌شناسی جالینوس.
۱۰۹	آناتومی جالینوسی؛ انگار تک‌جنسیتی.
۱۱۲	مقام و جایگاه زنان در طب سینوی.
۱۲۲	بدن زنانه در پزشکی امامان.
۱۲۸	از خلق ظاهر به خلق باطن؛ بی‌سیم فراست.
۱۳۶	باغ‌نامه‌ها.
۱۴۹	فصل چهارم: زنان عصر صفوی در گفتمان‌های سیرپزشکی.
۱۸۳	فصل پنجم: زنان در گفتمان پزشکی صفویه.
۱۸۹	پزشکی‌نگاری‌های عمومی و تشریح‌نامه‌ها.
۲۰۰	طب مذهبی.
۲۱۲	باغ‌نامه‌نگاری.
۲۴۵	فراست‌نگاری.
۲۶۳	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.
۲۷۱	منابع.
۲۹۷	ضمائم و تصاویر.
۳۳۱	نمایه.

چند سال پیش بود که من سیمین را در بولم یا مشکله نسبت زنان با پزشکی ایران عصر صفوی به ذهنم خطور کرد، از هم سال از چند سال که از مطالعاتم در باب دانش پزشکی ایران می‌گذشت. موضوع را نخستین بار با دکتر هرمز ابراهیم‌نژاد، استاد تاریخ پزشکی دانشگاه ساوث‌همپتون انگلیس در میان گذاشتم. برای اخذ بورسیه تحصیلی در دورهٔ دکتری همان دانشگاه. وی با مهربانی پروپوزال اولیه را مطالعه و نکته‌های باریکی را در باب آن یادآوری کرد و آن را موضوعی بکر خواند.

در نگاه نخست، مهم‌ترین مسئله در ارتباط با موضوعی منابع بود. برخی دوستان هنگامی که موضوع را با آن‌ها در میان گذاشتم، بلافاصله از قلت منابع سخن به میان می‌آوردند؛ اما آنچه مرا به ادامهٔ کار دل‌گرم می‌ساخت، آگاهی از انبوه دست‌نوشته‌های پزشکی بود که در آرشیوها خاک می‌خورد. تاریخ پزشکی ایران از سال‌های دور از دورانی که مورخ بزرگ تاریخ پزشکی ایران، دکتر سیریل الگود و همچنین دکتر محمود نجم‌آبادی که پیشاهنگ تحقیقات تاریخ پزشکی ایران به شمار می‌رود، بارها مطمح نظر پژوهشگران قرار گرفته بود. اما این تاریخ آن‌چنان که در فصل اول به تفصیل اشاره خواهد شد، تاریخی بوده است مملو از بازگویی زندگی پزشکان بزرگ یا دستاوردهای پزشکی آن‌ها. نگرش جامعه‌شناختی به پزشکی ایران که رهیافت کلی نگارنده در اثر حاضر هم هست، نگرشی نوین به شمار می‌رفت و نگارنده با محوریت زنان قصد داشت تا از عهدهٔ کاری تازه برآید.

اما چگونه می‌توان به دنیای تاریخ پزشکی پا گذاشت و به افکار فوکو گرفتار نشد؟ نگارنده در ابتدا قصد داشت به دلیل بکر بودن موضوع، صرفاً کاری توصیفی صورت پذیرد، اما مطالعات بیشتر و همچنین مشورت‌های متعدد مرا متقاعد ساخت که نمی‌توان به‌سادگی از کنار فوکو عبور کرد و هم‌زمان روی پروژه‌ای کار کرد که در آن دو مضمون جنسیت و پزشکی حضوری پررنگ دارد. از همین رو فوکو وارد دنیای این اثر شد. او در همه‌جای این کتاب حضور دارد و می‌توان حتی از خلال کاربست مفاهیم و اصطلاحات سایه او را بر این کار احساس کرد.

یادم است که برای زدودن تردیدها از کاربست فوکو در این کار با استاد گران‌مایه، دکتر محمد راد کاشی مشورت کردم. ایشان ضمن ارائه رهنمودهای کلی از من خواستند تا فوکو «رینت‌المجلس» نگردد. این دغدغه‌ای بود که تا چندی مؤلف را گرفتار کرده بود؛ چگونه می‌توان نظریه را به بخش تاریخی کار وارد کرد؟ رهایی از این دغدغه، ضمن پیشرفت کار به تدریج کاملاً ناپدید شد. دلیل اصلی این موضوع ساده و در عین حال مهم بود و در سه‌ای که با دکتر صدیقی داشتم آن را دریافتم: فوکو اصولاً «موضعی» دارد فراتر از نظریه. نمی‌خواهم بگویم فوکو اصولاً فاقد اندیشه است؛ اما بهتر است به جای نظریه از «موضع» او سخن بگوییم. موضع فوکو به‌صورت بسیار خلاصه، نگاه انتقادی به مناسبات قدرت است در جامعه. او این مناسبات را با وضع یا باز-تعریف مفاهیمی مشخص در حوزه‌هایی معین همانند پزشکی، جنسیت و جنون پی گرفته است. این نگاه انتقادی و همچنین مفاهیمی که حاصل پژوهش‌های او بودند، مؤلف را در نگارش بخش‌های مختلف این اثر تحت تأثیر خود قرار داده است. این تأثیر البته تأثیری مطلق و همه‌جانبه نیست. مثلاً مفهوم «گست» در معنای فوکویی آن در این کار به‌صورت انتقادی استفاده شده است. به واقع، رهیافت انتقادی مؤلف در سایرین اثر متأثر از فوکوست. من تلاش کرده‌ام تا این رویکرد انتقادی را با توجه به ویژگی‌های تاریخ ایران به کار بندم به‌صورتی که بتواند مسائلی را که این کتاب با آن‌ها سروکار داشت، توضیح دهد. این به معنای آن نیست که مؤلف در تمام جزئیات ملزم به گزاره‌های فوکویی بوده است؛ بلکه هر جا که لازم دیده شده، مواضع فوکو به‌صورت انتقادی و با جرح و تعدیل استفاده شده است.

حالا نوبت آن بود تا نگاهی به ادبیات پژوهش داشته باشیم. چه کسانی چه کارهایی انجام داده بودند؟ حاصل این جست‌وجو در آثار فارسی تقریباً هیچ بود. زنان و نسبت آن‌ها با پزشکی اگر برای پژوهشگران فارسی‌زبان تاریخ قابل تأمل به شمار می‌رفت، صرفاً ناشی از داده‌های تاریخ‌نگارانه و در ارتباط با سیاست بود. مثلاً می‌توان به اطلاعات مختصری اشاره کرد که اسکندر بیک ترکمان در *عالم‌رای عباسی* آورده است در باب طبابت همسر حکیم عنایت‌الله یزدی، یکی از پزشکان مخصوص عباس اول. اما در زبان انگلیسی آثار متعددی یافت شدند که همین نسبت زنان با پزشکی را بررسی کرده‌اند. بیشتر این تحقیقات در سه حوزه صورت گرفته است: در باب تاریخ پزشکی یونان، تاریخ میانه اروپا و تاریخ معاصر اروپا که البته در این حوزه اخیر روندهای پزشکیته کردن امور و نحوه نگرش پزشکان به زنان در بیماری‌هایی همانند ایدز و نمونه‌هایی از این دست بیشتر بررسی شده است. هیچ کدام از آثار فارسی و غیرفارسی، پزشکی ایران را از حیث ارتباط آن با زنان بررسی نکرده بودند. این نکته را «مدوارکننده‌ای برای مؤلف به شمار می‌رفت و شوق او را به تألیف این اثر افزایش داد».

حتی قبل از آغاز نگارش این کار دریافته‌ام که درم‌هنگامی که از پزشکی ایران سخن می‌گوییم، نباید مفهوم و تلقی یک‌دستی از آن در ذهن داشته باشیم. ما نه با یک پزشکی بل با پزشکی‌های متعدد مواجه هستیم که هر کدام از آن‌ها دیدگاه فکری خاص خود را داشتند. از همین رو در فصل دوم خود را ناگزیر از ایضاح گفتمان‌های پزشکی ایرانی دیدم. این رخداد به جهاتی چند قابل ملاحظه است. می‌توانستیم به شرح آغاز کتاب وارد مسئله اصلی، یعنی موقعیت زنان در پزشکی ایران میانه و به‌ویژه صفیه شوم؛ اما بزرگ‌ترین اشکالی که می‌توانست به لحاظ روشی بروز کند، توضیح مفهیمی بود که در زبان فارسی اثری برای توضیح یا توصیف آن‌ها در اختیار مخاطبان نبود. طب مذهبی یا طب «علمی» بدون ارائه تعریفی مشخص از آن‌ها چه انعکاسی می‌توانست نزد مخاطبان این کار داشته باشد؟ تکلیف این بود که دستگاه فکری و مبانی بنیادین نظام‌های گونه‌گون پزشکی ایضاح شود.

همچنین برای نخستین بار در یک متن فارسی، نگره کل‌گرایانه و هستی‌شناختی در پزشکی هر چند به اختصار در این فصل بررسی شده است. نگارش این بخش به‌ویژه به

لحاظ تأثیرات فکری آن بر تلقی از زن در پزشکی بایا و ضروری می‌نمود.

ریشه‌ها کدام‌اند و کجایند؟ پاسخ به این پرسش، بُعد تاریخی این کتاب را شکل داده است. بی‌تردید باید این اثر را حاصل نگرشی بین رشته‌ای دانست. از یک سو جامعه‌شناسی پزشکی و نظریه‌های فوکو و در سوی دیگر تاریخ‌پژوهی و پزشکی‌پژوهی هر کدام به نوبه خویش بخشی از ساختار این کتاب را سامان داده‌اند.

مؤلف به‌عنوان پژوهشگر تاریخ مکلف به تاریخ‌پژوهی بود و اصولاً بدون ورود به تاریخ، بررسی موقعیت زنان در یک مقطع تاریخی بی‌معنا به شمار می‌رفت. از همین رو به تبارشناسی ایده‌هایی پرداختیم که هر یک در تشکیل پایه‌های فکری مفهوم زن در پزشکی ایران تأثیرگذار بودند: اندیشه‌های پزشکی بقراط، ایده‌های فلسفی - پزشکی ارسطو در باب زن، پزشکی جالزی و شرح ابن سینا بر پزشکی یونان و رم، بررسی پزشکی سینیو همچنین از جهت دیگری هم قابل ملاحظه بود. اندیشه پزشکی‌ای که شیخ در باب زنان برگزید، از طریق ترجمه آثار او دوباره به اروپا رفت و پزشکی اروپا را تاسده‌ها تحت تأثیر قرار داد. همچنین توانایی خود را در باب بررسی گونه‌های مختلف پزشکی‌نگاری قبل از ورود به فصل پیرین و اصلی آزمودم.

در همین بررسی‌ها بود که علاوه بر بهانه‌نگاری که از مدت‌ها قبل از نگارش فصل سوم به ضروری بودن بررسی داده‌های انطمینان یافته بودم، متوجه گونه فراست‌نگاری شدم که این را باید رخدادی میمون دانست که رخنه‌های عمیق این کار افزوده است.

در همین فصل هم نخستین مواجهه جدی با دست‌نرخ‌های پزشکی رخ می‌نمایاند. به واقع باید اعتراف کنم که این نخستین مواجهه جدی من با ریشه‌های خطی بود. من تا آن زمان تنها با اسناد تاریخی سروکار داشتم؛ اما حقیقتاً دنیای دست‌نرخ‌های تاریخی دنیای دیگری است. تصرفات کاتبان، یافتن تاریخ‌های تقریبی نگارش، استنساخ‌های بدخط و بعضاً ناخوانا، روش استفاده از فهرست نسخه‌های خطی، اصطلاحات غریب طب قدیم، نحوه شمارش برگ‌ها و افتادگی یا پارگی آن‌ها همه و همه مانع از پیشرفت کار نشد؛ بل برعکس شوق مرا به یافتن داده‌های تازه برانگیخت و آن را در فصل پنجم کار با جدیتی مضاعف پی گرفتیم.

گفتمان پزشکی از نگاه من همان‌طور که در فصل اول توضیح داده شده است، تنها یک

گفتمان معطوف به دانش نیست. هر گفتمان علمی متضمن برداشت‌های اجتماعی است و در یک زمینه فرهنگی شکل می‌گیرد و می‌بالد. از همین رو مهم بود تا بدانم زن در دیگر گفتمان‌ها از چه موقعیتی برخوردار بود، زیرا که تلقی از زن در دیگر گفتمان‌ها در یک فضای بین گفتمانی، تأثیر مستقیمی بر تلقی از زن در گفتمان پزشکی داشت و بالعکس. همین اندیشه موجب گردید قبل از ورود به فصل اصلی، با یاری جستن از مقاله ارزشمند دکتر بابایان تصویری ترسیم کنم از زن دوران صفوی در گفتمان‌های مختلف. زن در دوران صفویه موضوعی جذاب برای پژوهشگران تاریخ به شمار می‌رود و آثار متعددی به زبان‌های فارسی و انگلیسی در این باره تألیف شده است. همچنین زن صفوی حضوری پررنگ در سرنوشت‌های ایران غربی داشت. مجموع این‌ها باعث شد تا نوشتاری عرضه شود متضمن بررسی این دوره در گفتمان‌هایی که یا به آن پرداخته نشده است یا کمتر مورد بررسی محققان قرار گرفته بود.

در فصل پنجم که در واقع بخش اصلی این کتاب است، طرحی از پیش تعیین شده در سر داشتیم که بررسی‌هایم در فصل‌های دوم، سوم و چهارم به شکل‌گیری نهایی آن کمک بسیاری کرد.

نخستین کار، تفکیک حوزه‌های گفتمان پزشکی صفوی بود. بر همین اساس یک تقسیم‌بندی اولیه شامل طب مذهبی، پزشکی کارهای عمومی، تشریح‌نامه‌ها، باه‌نامه‌نگاری، الفیه و شلفیه‌نگاری و در نهایت فراسنگاری به دست آمد. پس از بررسی‌های بیشتر، برخی بخش‌های این تقسیم‌بندی در یکدیگر ادغام شدند. تشریح‌نامه‌ها در پزشکی‌نگاری‌های عمومی ادغام شدند، زیرا که هر دو در چارچوب گفتمان پزشکی «علمی» می‌گنجیدند. الفیه و شلفیه‌نگاری هم ذیل باه‌نامه‌نگاری قرار گرفت؛ زیرا که شباهت‌های محتوایی با یکدیگر داشتند؛ این کار با در نظر داشت تفاوت‌های گونه‌شناسی این دو صورت گرفت.

مهم‌ترین کار صورت گرفته در این فصل، شناسایی منابع مرتبط با حوزه‌های گفتمانی یاد شده بود. همان‌طور که در مقدمه این فصل آمده است، من ۱۸۰ رساله خطی و چاپ سنگی پزشکی صفوی را بررسی کردم و در نهایت نزدیک به ۶۰ رساله که واجد مهم‌ترین و بیشترین مضامین مرتبط با موضوع پژوهش بود، انتخاب و یادداشت‌برداری شد. حال من

با انبوهی از اطلاعات مواجه بودم که براساس نقشه‌ای که در سر داشتم، جایشان در ساختار پژوهش تقریباً مشخص بود، اما مسئله تفکیک و طبقه‌بندی آن‌ها بود. مثلاً در حوزه پزشکی‌نگاری «علمی» ما با چند گونه ادبیات پزشکی روبه‌رو هستیم. از همین رو با استفاده از عناصر مشترک و همچنین تفاوت‌ها گونه‌ای طبقه‌بندی ابداع کردم؛ دارونگاری، بیماری‌نگاری، تک‌نگاری، قربادین‌نگاری، حفظ‌الصحنه‌نگاری و پزشکی‌نگاری عمومی از جمله تقسیم‌بندی‌های جعل شده از سوی مؤلف است. این تقسیم‌بندی مرا در ارائه منظم‌تر مطالب یاری داد. همچنین یک ضمیمه مفصل شامل فهرست به‌نامه‌های فارسی و دو تصویر مربوط به موضوع اصلی در انتهای کتاب به دست داده شده است.

اما چند نکته کلی؛ مؤلف برای توضیح واژگان غریب متون طب قدیم توضیحاتی را در متن یا پانوشته‌ها ارائه کرده است. در نقل قول‌های مستقیم هر جا [...] آمده است، به معنای تلخیص متن از روی موقوف است، مگر جایی که مؤلف در پانوشته توضیحی ارائه کرده باشد. رسم الخط نقل قول‌های مستقیم به صورت امروزی در آمد. این تغییر شامل تغییر خود واژگان نبوده است. اضافات مؤلف در نقل قول‌های مستقیم میان دو قلاب آمده است. نگارنده برای تأکید بر برخی نکات مطرح شده در نقل قول‌های مستقیم، آن‌ها را برجسته کرده است؛ بنابراین همه تأکیدها از مؤلف است. همچنین برای راهنمایی مخاطبان جدولی شامل کوتاه‌نوشت‌های مورد استفاده در این کتاب را انتهای کار به دست داده شده است.